

مریم حیدری؛ هنرمند نقاش و مجسمه ساز جزیره کیش:

طبیعت ویژه کیش و فرهنگ بومی آن از منابع ارزشمند آثار من هستند

گفت و گو: فرناز مقدسی

به گزارش اقتصاد کیش؛ در دنیایی که رنگ‌ها و خطوط هر یک زبانی برای بیان احساسات پنهان انسان هستند، هنرمندانی وجود دارند که با نگاه و تخیل خود جهان پیرامون را بازآفرینی می‌کنند. هنرمند برای به تصویر کشیدن هویت درونی یک شی دست به قلم می‌برد. در این راه سعی می‌کند اعتماد به نفس خود را افزایش دهد. در واقع هنر یک هنرمند شناسنامه ای است برای شناخت درویش . شناسنامه‌ای که با همه وجود و عشق آن را به وجود آورده است. مریم حیدری، از جمله هنرمندانی است که نقاشی و مجسمه‌سازی را نه تنها به‌عنوان حرفه، بلکه به‌عنوان مسیری برای شناخت درون و کشف لایه‌های پنهان ذهن برگزیده است. او با ترکیب مفاهیم فلسفی، عرفانی و اشعار مولانا در آثار خود، جهانی میان واقعیت و رویا می‌سازد؛ جهانی که در آن تخیل، معنا و احساس به‌زیبایی در هم تنیده‌اند. حیدری دانش‌آموخته دانشگاه تهران است، از کودکی نقاشی را شروع کرده و از سال ۱۳۷۸ با ورود به هنرستان مهر وطن به صورت جدی وارد دنیای هنر شد. نزد اساتید بزرگی دوران هنرآموزی را طی کرده و برای ارائه هنرش در بسیاری پروژه‌های زیباسازی شهر تهران همکاری داشته است. وی موفق شد تا عنوان طراح و نقاش عنوان منتخب کشور در حوزه زیباسازی شهری به دست آورد. این نقاش و مجسمه ساز با حضور در مسابقات و جشنواره های مختلفی در سطح استان و کشور موفق به کسب مقام های اول و دوم شده است. کسب مقام نخست در جشنواره های اسوه حسنی، جهاد دانشگاهی تهران، محتشم و عنوان نخست در مسابقات کشوری پرسش مهر، پردیس ها و دانشکده های هنری، آبرنگ خادمان

هنر، شهرداری تهران را از آن خود کرد و در دو مسابقه طراحی که مجموعه فرهنگی هنری تهران برگزار کرد در جایگاه اول و دوم حضور داشت. گفت و گوی ما با این هنرمند را در ادامه می‌خوانید:
لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید از چه زمانی وارد دنیای هنر شدید.
مریم حیدری، متولد سال ۱۳۶۵ هستم. کارشناسی

نقاشی و کارشناسی ارشد ارتباط تصویری را از دانشگاه تهران دریافت کرده‌ام و بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در رشته‌های نقاشی و گرافیک در هنرستان‌های تهران و جزیره کیش دارم. در حال حاضر دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه هستم.

از دوران کودکی، یعنی حدود دهمسالگی، نقاشی با رنگ‌روغن را آغاز کردم و از سال ۱۳۷۸ به صورت جدی وارد هنرستان مهر وطن تهران در رشته هنرهای تجسمی (نقاشی) شدم. افتخار شاگردی استادانی چون تاهاهبهپانی، ایران درودی، فریدون مردانی، فکوری، چلیپا، الهه مقدمی، محمود فرجی، افشارمهاجر و علی عیدی را داشتم.

در کنار فعالیت‌های آموزشی، در پروژه‌های زیباسازی شهری تهران نیز همکاری داشته و به‌عنوان طراح و نقاش منتخب کشوری در حوزه زیباسازی شهری شناخته شدم. آثارم در «کتاب سال‌بابان» نیز به چاپ رسیده است.

به‌جز نقاشی در چه زمینه‌های هنری دیگری فعالیت دارید؟
در زمینه‌های مجسمه‌سازی، پتینه، کاشیکاری و مرمت آثار باستانی نیز فعالیت داشتم‌ام و این مهارت‌ها را در پروژه‌های مختلف شهری و هنری به کار گرفته‌ام. درباره پروژه‌هایی که در آن‌ها شرکت داشته‌اید برآیمان‌بگویید.

در سال‌هایی که قلم‌مو را برای بیان احساساتم به دستم گرفتم در پروژه‌های مختلفی شرکت کردم مثلاً: در میدان آزادی زیر گذری است که کاشی کاری آن را با ذوق و سلیقه انجام داده‌ام. در سطح شهر نقاشی‌هایی دیده می‌شود که باعث طراوت و القای مفاهیم عمیقی به شهروندان است یا عشق فراوان نقاشی های بر روی دیوارهای میدان اختیاریه، میدان مینا و بلوار شهزاد تهران که مکانی پر ترد است و روزها حجم بسیاری از شهروندان از کوچک و بزرگ از این مناطق عبور کرده و برای لحظه ای با دیدن نقاشی ها ذهنشان از خستگی روزمره رها می‌شود را انجام داده‌ام. در مهم ترین دانشگاه های تهران مثل دانشگاه مفتح و دانشگاه آزاد برای زیباسازی محوطه، کاشیکاری های زیبایی را بر دیوارهای آنجا حک کرده‌ام. در خیابان مولوی تهران نقاشی دیواری داشته‌ام. در خیابان خلیج آباد کرج کاشی کاری های زیبایی انجام داده‌ام. در طراحی و زیباسازی محوطه هنری نور تهران ایده و کار من است.

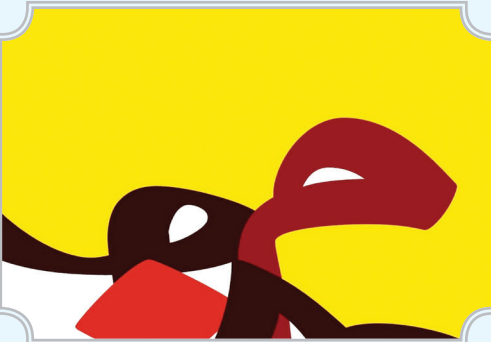
از نمایشگاه‌ها و ورکشاپ‌هایی که برگزار کرده‌اید بگویید.
در طول فعالیت حرفه‌ای‌ام، نمایشگاه‌های متعددی به‌صورت انفرادی و گروهی در داخل و خارج از کشور برگزار کرده‌ام؛ از جمله در پاریس و استانبول، خانه هنرمندان ایران، فرهنگسرای نیاوران، برج میلاد، فرهنگسرای پارک ملت، جهاد دانشگاهی، نگارخانه اصفهان، فرهنگسرای تیریز، اسلام‌شهر، دانشگاه تهران شمال و گالری همای تهران. همچنین ورکشاپ‌های تخصصی در شهرهای اصفهان، تبریز، کیش، اسلام‌شهر و دانشگاه مفتح برگزار کرده‌ام.

از نخستین تجربه‌ای که در دنیای هنر کسب کردید برای ما صحبت کنید و در مسیر هنری منبع الهام بخش شما چه بوده است؟

نخستین آثارم طرح‌های انتزاعی با رنگ‌روغن روی بوم بودند. مضامین عرفانی و رؤیایی، که از عمق و معنای ژرفی برخوردار هستند همیشه الهام‌بخش گرفته‌ام و همین مضامین عرفانی مسیر هنری‌ام را در جهت کشف درون و ارتباط با جهان معنا شکل داده است.

برای ورود به دنیای هنر به صورت آکادمیک آموزش دیده‌اید یا خودتان بدون آموزش این هنر را دنبال کرده‌اید؟

من از کودکی به هنر علاقه داشتم اما شروع مسیرم به صورت جدی در دنیای هنر با آموزش حرفه‌ای شکل صورت گرفته است. دوسال در هنرستان، بعد از آن در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ارتباط تصویری به تحصیل پرداختم و چهار سال هم در کلاس های هنری دانشگاه تهران شرکت کردم و سعی کردم به



دانش هنری خود اضافه‌کنم. **آیا در دنیای هنر به سبک خاصی علاقه مند بوده و آن را دنبال می‌کنید چرا؟**
سبک مورد علاقه‌ام سورئال (فراواقع‌گرایی) است، این سبک را دوست دارم زیرا احساس می‌کنم با روحیات و دغدغه‌های ذهنی من بسیار هم خوانی دارد. من با دنبال کردن این سبک ناخودآگاه تخیل را به بیشترین میزان به کار می‌گیرم و می‌توان جهانی فراتر از منطق و واقعیت عینی خلق کنم.

خلق یک اثر هنری چگونه برای شما آغاز می‌شود؟ همه چیز برای خلق یک اثر از یک «سؤال یا تردید ذهنی» شروع می‌شود. پس از آن به سراغ اشعار مولانا می‌رویم تا آن سؤال و تردید ذهنی را با آن اشعار تطبیق داده و به درک عمیق‌تری از موضوع برسیم بعد مشغول زدن اتودهای اولیه می‌شود و در نهایت، ایده ذهنی من که عمیق‌تر نشده و درک درستی از آن دارم متولد می‌شود و آن را بر روی بوم جان می‌دهم.

در آثار هنری‌تان بیشتر از احساسات استفاده می‌کنید یا از فکر و مفهوم بهره می‌برید؟

من در خلق آثار هنری‌ام از احساس و فکر با هم و در کنار هم استفاده می‌کنم. مفهوم و تفکر بنیان اثر را می‌سازد، اما رنگ و احساس، روح آن هستند. من تلاش می‌کنم در وجودم لایه‌های عمیق ناخودآگاهم را جست‌وجو کنم و واقعیتی ورای منطق روزمره را به تصویربکشم.

کدام رنگ بیشترین حضور را در نقاشی‌هایتان دارد؟
تنبلیت‌های بنفش و آبی بیشترین حضور را دارند، زیرا با حال‌وهوای عرفانی آثارم هم‌خوانی دارند و به نوعی نماد آگاهی و آرامش ذهنی هستند.

از کدام هنرمندان الهام می‌گیرید؟
من همیشه در خلق آثار هنری‌ام از استادان عزیزم؛ تاهاهبهپانی «وزنده یاد» ایران درودی الهام گرفته‌ام. بیشتر اوقات سعی می‌کنم از آثار نقاش بزرگ، سالوادوردالی «که در سبک سورئالیست، حرفی برای گفتن دارد الهام گرفته و از آن استفاده کنم.

طبیعت و فرهنگ موجود در جزیره کیش توانسته ردپایی از خود در آثار شما داشته باشد و الهام بخش آثارتان بوده است؟

بله، بی‌شک این گونه بوده است. مگر می‌شود در کیش زندگی کنی و از طبیعت آن برای خلق آثار به یادماندنی استفاده نکنی. جزیره کیش با طبیعت خاص و فرهنگ بومی خود تأثیر زیادی بر آثارم داشته است. اعتقاد من این است که هر اثر نقاشی باید ریشه در فرهنگ و زیست‌جهان هنرمند داشته باشد.

نقاشی برای شما چگونه تعریف می‌شود؟
نقاشی برای من راهی برای «شناخت خود، آرامش درونی و رسیدن به آگاهی» است. نوعی سلوک شخصی و معنوی.

آیا میان زندگی شخصی و آثار شما ارتباطی وجود دارد؟

بله، کاملاً. هر اثر بازتاب بخشی از درون من از دوره‌های خاصی است که زندگی مرا تشکیل داده است. نقاشی برای من زبان بیان ناخودآگاه است، پلی میان احساس، ذهن و واقعیت.

از احساسات زمانی که مقابل بوم قرار می‌گیرد تا اثری بدیع خلق کنید برآیمان بگویید؟

من همیشه پیش از اینکه یک اثری را آغاز کنم ابتدا به درون خودم مراجعه می‌کنم، به عمق وجودم رفته تا زمانی که به آرامش و آن چه در جست و جویش بوده‌ام برسیم. برای من خلق کردن یک اثر هنری در واقع نوعی «تجربه مقدس» است. خلق اثر هنری برای من فرصتی است که می‌توانم به بیان عمیق‌ترین احساسات و ترس‌ها و شادی بپردازم و از مخاطب خوردم دعوت کنم برای سفری درونی در دل اثری که قرار است خلق شود.

در آثارتان چه مقدار الهام نقش داشته و چقدر از آن‌ها برنامه‌ریزی شده خلق شده‌اند؟



ایده و تحقیق و اتود زدن بخش برنامه‌ریزی است، اما در حین خلق اثر، اتفاق‌های ناخودآگاه و الهام‌های لحظه‌ای هم نقشی تعیین‌کننده دارند. هنر جایی است که مرز میان نظم و رهایی در هم می‌شکند.

در زندگی روزمره چه چیزهایی الهام‌بخش شما هستند؟

صداها، ساده‌ی زندگی همیشه برای من الهام بخش بوده‌اند. صداهایی مثل: موج دریا، آواز پرندگان، خنده کودکان، همیشه ایده‌های نابیه‌من داده است. در حین سفر و مواقعی که سکوت را انتخاب می‌کنم هم ایده‌های نابیه‌دهنم رسیده است. باور دارم هنر نوعی همکاری میان انسان و خداوند است.

زندگی در جزیره کیش در انتخاب رنگ‌ها و نوع آثار شما تأثیر گذار بوده است؟

قطعاً محیط زندگی بر هنرمند تأثیر مستقیم دارد. در آثار من نیز نشانه‌های بصری و رنگی از زیبایی‌های طبیعی جزیره کیش دیده می‌شود.

خانواده و اطرافیان چه نگاهی به فعالیت هنری شما

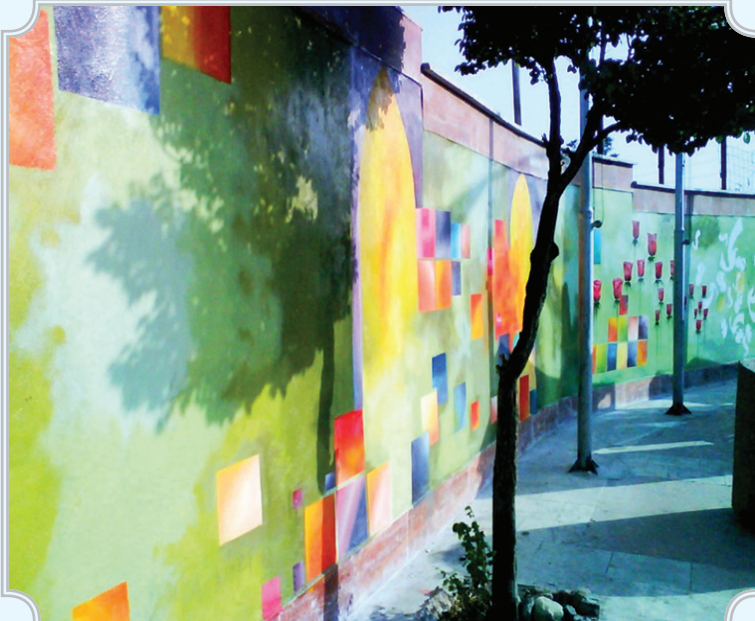
دارند؟

خانواده‌ام از ابتدا مشوق من بودند و حمایت آن‌ها یکی از عوامل اصلی پایداری و رشد من در مسیر هنر بوده است.

وضعیت امروز نقاشی در ایران و به‌ویژه در مناطق جنوبی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خوشبختانه در جزیره کیش پیشرفت‌های چشمگیری داشتیم. با تلاش‌های انجام‌شده و مساعدت‌هایی که صورت گرفت برای نخستین‌بار رشته نقاشی در «هنرستان پردیس علم کیش» راه‌اندازی شد. در ادامه با همکاری «دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل کیش» رشته کارشناسی نقاشی نیز دایر شد. تا هنر جوان بتوانند بدون نیاز به مهاجرت، تحصیلات خود را ادامه دهند. و در پایان سختی

هنر برای من راهی برای آگاهی، رستگاری و تعالی روح است. هنر می‌تواند فراتر از زیبایی‌شناسی سنتی عمل کند و به ابزاری برای کشف، درک و حتی تغییر جهان تبدیل شود.



۴۴۴۲۴۹۶۶
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش
روزنامه